

جانانان ری

---

# هایدگر

---

ترجمہی

اکبر معصوم بیگی



## فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۱	درآمد
۱۵	هستی‌شناسی خودمان
۲۰	پرسش و پرسنده
۲۷	حضور و واسازی سنت
۳۳	روزمرگی، دریافت و تاریخ حقیقت
۴۱	بی‌اصالتی و خودهمه‌کس
۴۷	اضطراب و حقیقت در زدودن پروا
۵۹	وجدان، زمان و حقیقت تاریخ
۶۲	مرگ و زمان وجود
۷۳	علم و تاریخ
۸۱	فرجام سخن
۸۵	یادداشت‌ها

## هستی‌شناسیِ خودمان

در آغاز، حرکت از این انتظارات هوس‌انگیز به سوی رساله‌ای که هایدگر واقعاً به قلم آورد مایه‌ی سرخوردگی است. از همین آغاز، کدام عنوانی است که از هستی و زمان کهنه‌تر باشد؟ آیا هایدگر از این امر آگاه نبود که کانت پژوهش فلسفی در هستی را — «هستی‌شناسی» — در زبان دانشگاهی، — در پایان سده‌ی هجدهم قاطعانه از اعتبار انداخته است، و جای آن را به علم طبیعی تجربی داده است؟ و آیا کسی به او نگفته بود که، در پی نظریه‌ی نسبیّت خاص آینشتاین در ۱۹۰۵، مفهوم زمان اکنون بیش‌تر به فیزیک تعلق دارد تا به فلسفه؟

ولی باید مراقب باشیم. فیلسوفان اغلب با احساس زیرکانه‌ای از متناقض‌نمایی دست به قلم می‌برند، و کسانی را دست می‌اندازند که با احتیاط‌کاری بسیار اندکی در قبال یقین‌های ناروشن بی‌بهره از سُخره‌گری خویش رفتار می‌کنند. هایدگر شاید در پی آن نباشد که با راه‌حل‌های تازه‌ی بی‌باکانه برای مسائل یا شبه‌مسائل هستی‌شناسی سنتی حوصله‌ی ما را سر ببرد — یعنی معادل‌های فلسفی برای حرکت جاودانی یا همان شق‌القمرکردن. او شاید چیزی ظریف‌تر در آستین داشته باشد.